

**امیرالمؤمنین (ع) مصداق «هادی امت» است**

هادی بلافصل بعد از پیامبر (ص) شخص علی (ع) است. از این رو در برخی روایات مراد از هادی، امیرالمؤمنین (ع) معرفی شده است، ولی نام بردن از امام از باب انحصار نیست، بلکه از باب تطبیق مفهوم هادی بر مهم‌ترین مصداق آن پس از پیامبر (ص) است.



هادی بلافصل بعد از پیامبر (ص) شخص علی (ع) است. از این رو در برخی روایات مراد از هادی، امیرالمؤمنین (ع) معرفی شده است، ولی نام بردن از امام از باب انحصار نیست، بلکه از باب تطبیق مفهوم هادی بر مهم‌ترین مصداق آن پس از پیامبر (ص) است.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، به باور شیعیان و بر اساس ادله متقن و قوی عقلی و نقلی، امام علی (ع) وصی و جانشین بلافصل پیامبر (ص) است. یکی از ادله شیعه بر مقام امامت امام علی (ع)، آیه 7 سوره رعد «انما أنت منذر و لكل قوم هاد» است. روایاتی از پیامبر اکرم (ص) وارد شده است که امام علی (ع) را مصداق هادی در این آیه کریمه معرفی می‌کند.

برخی از وهابیان با مناقشه در سند و دلالت آن روایات کوشیده‌اند تا آن را از اعتبار انداخته و ادله شیعه را باطل سازند، آن‌ها این گونه می‌گویند: شیعیان معتقدند که بر اساس روایات شیعه و سنی در آیه هفتم سوره رعد، مقام انذار مخصوص پیامبر و مقام هدایتگری مخصوص علی بن ابی طالب (ع) است. این روایات در کتاب‌های اهل سنت توسط ابونعیم صاحب کتاب الفردوس نقل شده است. ادعای شیعیان با سه اشکال سندی و چهار اشکال محتوایی روبه‌رو است: اشکالات سندی عبارت است از:

1. همه مطالب کتاب الفردوس، صحیح نیست؛ بلکه برخی مطالب این کتاب اشتباه و نادرست است. پس نمی‌توان به همه مطالب آن اعتماد کرد.

2. اینکه فقط ابونعیم ناقل روایت است، سبب سستی اعتبار آن می‌شود.

3. به اتفاق اهل علم، از اهل سنت، حدیث انذار کذب و جعلی است.

اشکالات محتوایی عبارت از:

1. معنای سخن شیعه این است که هدایت مسلمانان به دست علی بن ابیطالب صورت می‌گیرد نه به وسیله پیامبر!

2. مطابق آیه باید هدایتگران متعدد باشند نه یک فرد؛ زیرا در آیه آمده است «و لكل قوم هاد». پس علی بن ابیطالب نمی‌تواند تنها مصداق هادی در این آیه باشد.

3. لازمه سخن شیعه تقسیم شغل میان پیامبر و علی است؛ یعنی پیامبر شغل انذار و علی شغل هدایتگری را به عهده دارد. این ادعا با آیه 52 سوره شوری که پیامبر اسلام را هدایتگر به سوی راه راست معرفی می‌کند، ناسازگار است.

4. این ادعای شیعه که آیه مربوط به علی بن ابیطالب است، عین ادعای بهائیت است که گفته‌اند این آیه مربوط به بهاء الله است!

برای بررسی این شبهه با حجت‌الاسلام مهدی محرمی از کارشناسان مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم گفت‌وگو کردیم که مشروح آن در ادامه می‌آید:

\*آیا حدیث انذار تنها از سوی شیعه روایت شده است؟

حدیث انذار نه تنها در منابع حدیثی شیعه همچون کتاب سلیم بن قیس هلالی، الاحتجاج طبرسی، الاصول سته عشر، تفسیر فرات الکوفی، تفسیر العیاشی، الاصول کافی، امالی شیخ صدوق، بحارالانوار علامه مجلسی و غیره آمده است، در کتاب‌های علمای مشهور اهل تسنن مانند علامه حافظ حاکم در کتاب «المستدرک»، علامه الحموی فی «فرائد السمطین»، حافظ ذهبی در میزان الاعتدال، حاکم الحسکانی فی «شواهد التنزیل»، علامه بیهقی شافعی در کتاب تفسیرش «التهدیب»، علامه میبدی

یزدی در کتاب «شرح دیوان امیر المؤمنین» و غیره نقل شده است. بنابراین اشکالات سندی حدیث مذکور برطرف می‌شود.

\*مراد از «انما أنت منذر و لكل قوم هاد» آیه 7 سوره رعد چیست؟

مراد این قطعه از آیه که ای پیامبر! تو تنها بیم‌دهنده‌ای! این است که پیامبر اسلام وظیفه‌اش انذار مردم از پیامدهای نافرمانی از دستورات الهی است نه آوردن انواع معجزات و انجام کارهای خارق‌العاده‌ای که مشرکان از پیامبر اسلام درخواست داشتند.

پس منظور آیه، هدایتگر نبودن پیامبر اسلام نیست، چنانکه مراد از هادی در آیه فقط امام علی(ع) نیست، بلکه شامل یازده امام معصوم دیگر شیعه هم می‌شود.

\*و اما آیه انذار «انما انت منذر و لكل قوم هاد»؟

-آیه انذار یکی از آیاتی است که درباره فضیلت و منقبت امام علی(ع) و 11 امام معصوم دیگر شیعه نازل شده است. این آیه را در چند جهت بررسی می‌کنیم:

بررسی سند احادیث درباره آیه انذار

احادیثی که در کتاب‌های حدیثی شیعه و سنی در شأن نزول این آیه وارد شده است از لحاظ راویان آن‌ها به چندین دسته تقسیم می‌شوند. ما از راویان حدیث در منابع حدیثی شیعه صرف کرده و فقط به راویان حدیث در کتب اهل سنت اکتفا می‌کنیم. راویان حدیث انذار در کتاب‌های علمای اهل سنت که آیه شریفه را به عنوان فضیلتی برای امام علی بن ابیطالب(ع) نقل می‌کنند، به 11 نفر می‌رسند. بیشتر این روایات از ابن عباس، ابوهریره و ابوبرزه الاسلمی روایت شده است.

حافظ ذهبی در کتاب «میزان الاعتدال»، علامه شیخ عبدالرحمن علی بن محمد جوزی بکری در کتاب «زاد المسیر فی علم التفسیر»، علامه حموینی در «فرائد السمطین»، حاکم الحسکانی در «شواهد التنزیل»، حافظ حسین بن حکم الحبری الکوفی در «تنزیل الآیات المنزلة فی مناقب أهل البيت» و غیره این‌ها حدیث انذار را از ابن عباس نقل کرده‌اند.

حاکم عبیدالله الحسکانی در «شواهد التنزیل» حدیث انذار را از ابوهریره نقل کرده است. علامه الأمر تسری در «أرجح المطالب»، علامه الحموینی در «فرائد السمطین» و حاکم عبیدالله الحسکانی در «شواهد التنزیل» حدیث را از ابوبرزه الاسلمی روایت کرده‌اند.

حدیث انذار در کتاب‌های روایی اهل سنت از جابر بن عبدالله انصاری، امام علی بن ابیطالب، مجاهد، زرقاء الکوفیه، یعلی بن مره، عبدالله بن مسعود، سعد بن معاذ و ابی فروة الأسلمی هم نقل شده است، از این رو با توجه به وجود ناقلان مختلف و کثرت نقل حدیث انذار در کتاب‌های روایی اهل سنت جای هیچ گونه شک و شبهه‌ای در صدور حدیث انذار درباره فضیلت امام علی بن ابیطالب(ع) وجود ندارد. ادعای جعلی و کذب بودن حدیث یا اینکه تنها ناقل حدیث ابونعیم است، سخنی از روی تعصب و جهل و به غایت سست است.

همچنین روشن است که صحت یا عدم صحت برخی مطالب کتاب الفردوس ابونعیم خدش‌های به صحت صدور حدیث وارد نمی‌کند.

بررسی دلالت حدیث انذار

برای بررسی معنای حدیث، به شأن نزول آیه هفتم سوره رعد مراجعه می‌کنیم. این آیه در جواب سؤال مشرکان از پیامبر اسلام(ص) برای آوردن معجزه، طبق میل و خواست آنان، نازل شده است. از این رو می‌توان دریافت که مقصود این قطعه که تو تنها منذر هستی! این است که تو در مقام نبوت تنها وظیفه‌ی ابلاغ پیام خدا و بیم‌دادن مردم را بر عهده داری؛ نه بازیچه خواهش‌ها و امیال مشرکان که هرروز از تو معجزه‌ای را طلب کنند. بنابراین معنای این آیه با آیه 52 سوره شوری «انک لتهدی الی صراط مسقیم» منافاتی ندارد؛ زیرا مقام و فضای سخن در این دو آیه متفاوت است!

بیم‌دهنده بودن پیامبر(ص) در این آیه به معنای نفی مقام رهبری و هدایت جامعه مسلمانان از پیامبر اسلام نیست؛ زیرا فضای آیه انذار، فضای نفی مقام تصمیم‌گیری برای پیامبر اسلام در برابر درخواست مشرکان به آوردن انواع معجزات است. از این رو برای اثبات مقاماتی چون هدایتگری، منذر بودن و دیگر مقامات الهی برای پیامبر اسلام(ص) باید به همه آیات مرتبط با

شخصیت پیامبر(ص) مراجعه کنیم نه به برخی آن‌ها!

صرف ادعای برای مقام هدایتگری برای شخصی موجب اثبات آن مقام برای آن شخص نیست، بلکه بهایان برای اثبات مدعای خویش باید دلایل محکم و مستند ارائه بدهند، در حالی که شیعه برای مدعای خویش که مقام هدایتگری امام علی ابن ابیطالب(ع) است؛ به ادله محکم و مستند حدیثی و تاریخی تمسک جسته است.

امام هادی امت است

این مطلب که آیه منحصر در امام علی(ع) نیست، بلکه برای هر قومی هدایتگری را ثبات می‌کند، مطلب درستی است، زیرا کلمه هادی به صورت نکره آمده و این بدین معنا است که برای هر قوم و ملتی، یک هادی وجود دارد. یعنی مردم هر زمان را هادی‌ای هست و امام علی هادی و رهبر زمان خود بود. در برخی روایات شیعه به همین معنا اشاره شده است. در روایتی از امام صادق(ع) آمده است: هر امامی رهبر و هدایتگر مردم زمان خودش است.

حال اگر کسی بپرسد که دلیل ذکر امام علی به عنوان مصداق هادی امت در روایات چیست؟ در جواب می‌گوییم: هادی بلافصل بعد از پیامبر اسلام(ص) شخص علی بن ابی طالب(ع) است. از این رو در برخی روایات مراد از هادی را امام علی(ع) معرفی شده است، ولی نام بردن از امام از باب انحصار نیست، بلکه از باب تطبیق مفهوم هادی بر مهم‌ترین مصداق آن پس از پیامبر(ص) است.